

بررسی تطبیقی وطن دوستی در اشعار اقبال لاهوری و خلیل مطران

صفی الله کرد*

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۵

عبدالملک کرد**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۲

چکیده

اقبال لاهوری و خلیل مطران یکی اهل پاکستان و دیگری از لبنان است. این دو شاعر در مورد وطن دوستی اشعاری سروده‌اند که مردم را به دور از وطن پرستی بی حد و مرز بلکه به وحدت و یکپارچگی در زیر یک پرچم برای رهایی از ظلم و آن‌ها را برای کمک به هم‌نوعان فرا خوانده‌اند. در این مطالعه تحلیلی-توصیفی با بررسی دیوان دو شاعر می‌خواهیم به هم عقیدتی این دو شاعر برسیم. اقبال می‌گوید که اگر تمام مردم به یک محبوب حجازی روی بیاورند و پیرو آن شوند عشق به وطن فقط منتهی به مکان زندگی افراد نمی‌شود و تبدیل به عشق در یک جامعه بزرگ که تمام مسلمین را در بر می‌گیرد، می‌شود. این مطالعه کوشیده است تا با گردآوری مطالب و یکپارچه ساختن این مطالب مردم را در فهم مطالب ذکر شده توسط شاعران یاری دهد تا رسالت شاعران به خوبی انجام شود و همچنین مردم جامعه بتوانند از آن استفاده کنند. **کلیدواژگان:** محبوب حجازی، وطن پرستی، آگاهی، مسلمان، حق طلبی.

مقدمه

واژه وطن در ادبیات فارسی، بیش تر در دو معنی عمده به کار رفته است، یکی معنای قدیم که به معنی خانه، سرزمین یا ولایتی بود که شاعر یا نویسنده، آن را سرزمین خود می دانست و در آن متولد شده بود. چنانکه شیراز، وطن حافظ و سعدی، توس، وطن فردوسی و شروان، وطن خاقانی می باشد (Sabbaghi, 2014) و دیگر معنای وطن از اروپا نشأت می گیرد که بیش تر در بعد سیاسی نمو پیدا می کند.

کسی را می توان شاعر و هنرمند واقعی دانست که رسالت خویش را در قبال جامعه تشخیص دهد و وظیفه اش را در دفاع از شرف انسانی و پاسداری از ارزش های معنوی و اخلاقی بداند تا با خلق آثار زیبا بتواند حس مردم را برانگیزد و در حقیقت هنرش به منزله ندای حق طلبی و آزادی خواهی و فریاد دادخواهی باشد. ژان پل سارتر در تعریف ادبیات متعهد می گوید: «غرض از ادبیات تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی و آزادی انسان است» معنای سخن سارتر این است که ادبیات دارای نوعی التزام در شعر گشته است. چراکه همواره شعر یکی از دستاورد های ادبی است که علاوه بر بیان کردن احساسات، باید عهده دار حوادث زمانه و اندیشه های مردمش باشد (bromi, 2011).

ملت ها در جنگ انگیزه های مختلف و متنوعی دارند، اما در دفاع و پایداری، انگیزه ها به یکدیگر نزدیک می شوند. شاید به همین دلیل است که ادبیات پایداری چهره انسانی عامی دارد که به هنگام ترسیم اشکال مختلف تضادهای زندگی انسان، در هیچ قالب ملی یا چارچوب اجتماعی خاصی نمی گنجد (Brovemi, 2010).

اگر انگیزه افراد جنگ رهایی از ظلم و ستم باشد و بخواهند برای نجات جان انسانیت تلاش کنند از قید وطن دوستی بی حد و اندازه رهایی می یابند و با تمام قوا برای رسیدن به پیروزی تلاش می کنند. وطن دوستی و وطن گرایی تا جایی مفید است که از کمک به دیگر سرزمین ها جلوگیری نکند اگر از حد مجاز پیش روی کند نه تنها به دیگر جوامع بلکه به خود و جامعه خویش نیز آسیب می رساند. عشق و علاقه به وطن یکی از اصلی ترین درونمایه های شعری شاعران - به ویژه شاعران معاصر - محسوب می شود. این موضوع به ویژه در شعر شاعرانی که سرزمینشان در آتش جنگ و استعمار سوخته نمود بیش تری پیدا کرده است. خلیل مطران و اقبال لاهوری نیز از شاعران استعمارستیز و

وطن پرستی بود که به مقابله با ستم بیگانگی پرداخت و برای وحدت و گسترش یک حکومت واحد تلاش و مبارزه کرد.

معرفی اقبال لاهوری

اقبال لاهوری در سال ۱۲۹۴ ق در شهر سیالکوت واقع در پاکستان غربی به دنیا آمد. وی در سن ۴ سالگی، به محضر درس *مولانا حسن قدم نهاد* و در مسجد شروع به آموختن قرآن کریم نمود. وی بعد از مدتی به آموختن ادبیات اردو، فارسی و عربی را آغاز نمود (Hashemi, 2012). وی بعد از تحصیل در رشته فلسفه و انگلیسی در دانشگاه دولتی که در کنار آن زبان و ادبیات عرب را نیز می‌آموخت با کسب رتبه ممتاز از دانشگاه فارغ التحصیل شد. *اقبال لاهوری* در مقطع دکترا به آموختن فلسفه پرداخت و سرانجام در صبح روز ۲۱ آوریل ۱۹۳۸ م دار فانی را وداع گفته و در کنار مسجد شاهی لاهور به خاک سپرده شد (همان: ۱۱۵).

اقبال لاهوری (۱۹۳۸-۱۸۷۷ م) از شعرای آزادی‌خواه مشرق زمین بوده که در راه آزادی سرزمین خود از دست استعمار تمامی تلاش خود را کرده است. از میان شاعران فارسی زبان، *اقبال لاهوری*، با الهام گرفتن از آیات قرآن و سنت نبوی، وحدت مسلمانان را امری ضروری و غیر قابل انکار می‌داند. به گونه‌ای که وحدت و بیداری اسلامی دو بال اندیشه *اقبال لاهوری* است، و تنها عامل ماندگاری وی بعد از گذشت سال‌ها در قلب مسلمانان جهان است.

معرفی خلیل مطران

خلیل مطران شاعر و ادیب مسیحی لبنانی در سال ۱۸۷۱ م در بعلبک دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را در بیروت نزد *استاد خلیل الیازجی* و برادرش *ابراهیم الیازجی* به پایان رساند و زبان‌های فرانسوی و ترکی را در آنجا فرا گرفت. سپس به عنوان نویسنده در مجله «الأحوال البیروتیة» مشغول به کار شد. او به علت سرودن قصیده‌ای علیه *سلطان عبدالحمید*، مجبور به ترک بیروت و رفتن به فرانسه شد. بعد از دو سال اقامت در پاریس به مصر مهاجرت کرد و در آنجا مجله «المجلة المصرية» و روزنامه

«الجوائب المصرية» را منتشر ساخت (Al-Fakhouri, 1968). بعد از مدتی کار روزنامه‌نگاری را رها کرد و به سرودن شعر به خصوص در زمینه مدح، رثا و وصف پرداخت و به شاعر القطرین و شاعر الأقطار العربیة ملقب شد. دیوان شعری *مطران* به نام «دیوان الخلیل» در چهار جزء در زمان حیات و بعد از مرگش منتشر شده است. *مطران* در سال ۱۹۴۹ در قاهره درگذشت (kazemzade, 2017).

خلیل مطران از شاعران برجسته جنبش نوین شعر عربی است. وی شاعری انسان‌گرا، آگاه به معارف بشری و آزادی طلب بود. *مطران*، که نوآوری‌اش، ناشی از جامع‌الاطراف بودن اوست، شعر داستانی را به نحو گسترده‌ای وارد ادبیات عرب کرد. وی از یک سو از روش سنتی پیروی و از سوی دیگر احساسات خود را متناسب با شرایط زمانه بیان می‌کرد. این نوع شعر، در حقیقت بازتاب جنبش فکری‌ای بود که به پیروی از ادبیات اروپایی، در عرصه ادبیات عرب به وجود آمد. به باور وی، شاعر نوگرا نباید دنباله‌رو شیوه شاعران گذشته باشد بلکه باید بر اساس اوضاع و مقتضیات زمان خود شعر بسراید. به باور او شعر راستین باید به زبان زمانه خود باشد و همه اجزای آن یک مجموعه بهم پیوسته را تشکیل دهند.

مضامین اصلی شعر *مطران* پیکار با حاکمان ستمگر، ایجاد شور مقاومت در مردم، نیاز آن‌ها به کسب دانش و بکارگیری آن در راه پیشرفت است. به باور او ملت‌ها با اراده و تصمیم قاطع می‌توانند بر موانع و دشواری‌ها پیروز شوند.

بحث

در اندیشه *قبال لاهوری*، ملی‌گرایی از جمله مفاهیمی است که غربیان و استعمارگران در میان ملل شرقی به خصوص مسلمانان رواج دادند (moghadam, 1372).

پس عامل مهم و پررنگ تفرقه میان مسلمانان وطن‌گرایی و ملی‌گرایی آن‌ها است.

تو اگر داری تیز خوب و زشت	دل نبندی با کلوخ و سنگ و خشت
آن کف خاکی که ناامیدی	اینکه گویی مصر و ایران و یمن
با وطن اهل وطن را نسبتی است	زانکه از خاکش طلوع ملتی است
گرچه از مشرق برآید آفتاب	با تجلی‌های شوخ و بی حجاب

اقبال لاهوری معتقد است گرفتاری‌های جهان اسلام با گسیخته شدن وحدت آغاز شد (همان: ۴۸۰) که ملل غیر مسلمان بر این نکته توجه دارند و می‌خواهند با توجه به این نقطه زمینه گسیخته شدن وحدت مسلمانان را فراهم آورند.

رشته وحدت چو قوم از دست داد ما پریشان در جهان چون اختریم
آنچه تو با خویش کردی، کس نکرد صد گره بر کار ما افتاد

به بیان اقبال لاهوری اتحاد مسلمانان از روی نسبت نیست بلکه رمز اتحاد مسلمانان آن محبوب حجازی است (همان: ۱۱۰).

اقبال لاهوری با بیان اینکه علت بدبختی مسلمانان وطن‌گرایی یعنی محدود به مکان خاص می‌داند و می‌گوید اگر وطن‌گرایی به جامعه اسلامی باشد و همه در صدد ایجاد جامعه اسلامی باشند مسلمانان در برابر کفار پیروز خواهند شد. هدف اقبال لاهوری این است که جامعه اسلامی با هدف قرار دادن محبوب حجازی به پیروزی خواهند رسید. به این دلیل که همه به یک سو خواهند رفت و دچار گمراهی نمی‌شوند.

نیست از روم و عرب پیوند ما دل به محبوب حجازی بسته‌ایم
رشته ما یک تولایش بس است عشق ورزی از نسبت باید گذشت
نیست پابند نسبت پیوند ما زین جهت با یک‌دگر پیوسته‌ایم
چشم ما را کیف صهبایش بس است هم ز ایران و عرب باید گذشت
تاب و تب داری اگر مانند مهر پا بنه در وسعت آباد سپهر
فارغ از اندیشه اغیار شو قوت خوابیده‌ای، بیدار شو
رزق خود را از کف دونان مگیر یوسف استی، خویش را ارزان مگیر

در دورانی که شاعر و متفکر بزرگ شرق این افکار هشداردهنده را ترویج می‌کرد، وطن پرستی افراطی و پیروی تعصب آمیز از ایسم‌ها (نازیسم، فاشیسم، پانتورانیسم و...) جوان‌ها را به سوی پرستش تک بعدی ایسم می‌خواند، که با مهر فرهنگی به آدمیت فاصله دارد. حب الوطن حدیث بلندی است، اما پرستش وطن به بت پرستی گرایش پیدا می‌کند.

آدمی هرچه بت‌های تعصب را بشکند به کمال انسانیت نزدیک‌تر می‌شود؛ به قول استاد:

سعدیا چون بت شکستی، خود مباش خودپرستی کمتر از اصنام نیست
 سرباز غربی را چنان مغز شسته برتری‌های نژادی و دینی و رفاه اجتماع کشور
 خودش می‌کنند که بی پروا نخست خانه گلی افغانی و پاکستانی را بکوبد، زن و مرد و
 پیر و جوان را به آتش بکشد، آنگاه جست‌وجو می‌کند که کشته‌ها دوست او بوده‌اند یا
 دشمن! شرقی‌ها هم، فضایل فرهنگ خود را فراموش کرده‌اند و گاه می‌خواهند از
 کلاس‌های مقدماتی غرب پیروی کنند. در چنین جهانی، ما شرقی‌ها، باید پیوسته
 فرهنگ آب دیده کهن خود را با نوسازی و پیراستن، زنده و کارآمد و استوار بداریم و آن
 را بخردانه بروز کنیم، نه اینکه کورکورانه صورت‌های دیگران را بپرستیم (rezae, 1389).

يَا ابْنَ لُبْنَانَ عُدْ إِلَى لُبْنَانَ
 نَازِلًا مِنْهُ فِي أَعَزِّ مَكَانٍ
 مِصْرُ تُهْدِي إِلَيْهِ مِضْنُ هُوَ أَهْدَا
 هُ إِلَيْهَا تَهَادِي الْخُلَصَانَ
 لَيْسَ بَدْعًا وَفِي الْقُلُوبِ صَفَاءُ
 مَا يُرَى مِنْ تَقَارُضِ الْجِيرَانِ
 سَاءَ هِجْرَانِكَ الرَّفَاقَ وَلَكِنْ
 لَيْسَ بَيْنَ الْقَطْرَيْنِ مِنْ هِجْرَانِ
 وَطَنٌ وَاحِدٌ وَتَجْمَعُهُ الضَّأ

شاعر در مورد کشور لبنان و مصر سخن می‌گوید و بیان می‌دارد دوستان شما که
 شما را ترک کرده‌اند و به کشورهای همسایه رفته‌اند هنوز در وطن خود هستند زیرا که
 قلب خالص آن‌ها به وطن دوستی گرایش دارد. پیام شاعر این است که باید برای کمک
 به هم نوعان شتابید و لحظه‌ای نباید نشست و کمک به جوامع دیگر به معنای دشمنی
 با وطن خود نیست.

دَنْ لِمَعْرَى فِي لَفْظَةِ الْأَوْطَانِ
 فَتَيَمَّمْ تِلْكَ الرَّبِّي وَالْقَى مَنْ نَمَّ
 حَضُّهُمْ وَدَنَا مِنَ الْإِخْوَانِ
 وَاسْتَرِدَّهُمْ مَا تُسْتَرَادُّ قُؤَاهُمْ

مِنْ تَبَارٍ فِي حُبِّهَا وَتَفَانٍ
لَا يَكُنْ بَيْنَكُمْ لِخِدْمَتِهَا عَيْ
رُ الْوَفِيِّ السَّمِيدِ الْمِعْوَانِ

شاعر می‌گوید دوستان خود را که برای جنگ به کشورهای همسایه رفته‌اند تشویق کنید و به آن‌ها امید دهید که این کمک از جمله کمک‌های مالی و احساسی است. ستمکاران و حاکمان از اتحاد مردم می‌ترسند و ترس آن‌ها باعث پایین کشیده شدن آن‌ها از تخت می‌شود.

وَاحِمٍ ذَاكَ الْجَمِيِّ مِنَ الْعُدْوَانِ
وَتَوْحُّ الرِّأْيِ السَّدِيدِ عَلَى مَا
دُونَ تَسْدِيدِهِ الضَّمِيرُ يُعَانِي
ذَاكَ حَوْضٍ فِدَاهُ كُلُّ نَفِيسٍ
فَأَفْدِهِ بِالْفُؤَادِ قَبْلَ اللِّسَانِ
كَافِحِ الْخَصْمِ دُونَهُ وَادْرَأَ الْبَا
طِلَ عَنْهُ بِقُوَّةِ الْبُرْهَانِ
رُبَّ قَوْلٍ يُصَاغُ مِنْ دَوْبِ قَلْبٍ

شاعر افراد را از عذاب وجدان بیم می‌دهد. می‌گوید اگر به میدان نرفتید و همنوعان را کمک نکردید در آخر دچار عذاب وجدان می‌شوید که به چه دلیل آن‌ها را ترک گفته‌ایم.

بَعْدَ صَوْتِ دَوَىٰ بِهِ الْخَافِقَانِ
ثُمَّ رَوَّحَهُمَا بِنَافِحَةٍ مِنْ
رَوْضِ مِصْرَ زَكِيَّةِ الْأُرْدَانِ
قُلْ وَحَقِّ الْوَفَاءِ لَسْنَا بِسَالِ
يْنَ وَمَا وَحْشَةٌ سِوَى السَّلْوَانِ
فَاسْمَعَا مِنْ حَدِيثِنَا عَنْ
كَمَا رَجَعَا بِهِ فِي نَوَاكِمَا تَأْنِسَانِ
شَدَّ مَا نَحْنُ وَاجِدُونَ مِنَ التَّبُّ

رِيحِ هَلْ مِثْلَ وَجْدِنَا تَجِدَانِ

وقتی بانگ به صدا در می‌آید و نوید پیروزی می‌دهد باید به دشمنان فهماند که حق تحقق می‌یابد و دشمنان بفهمند که ما تا پیروزی از پای نخواهیم نشست. شاعر تمام آفرینش را به شنیدن این بانگ دعوت می‌کند که برای رهایی خود و هموطنان از بند خود رها شوید و به سوی دشمنان بتازید.

يَا مِصْرُ أَنْتِ الْأَهْلُ وَالسَّكَنُ

وَحِمَى عَلَى الْأَرْوَاحِ مُؤْتَمَنُ

حُبِّي كَعَهْدِكَ فِي نَزَاهَتِهِ

وَالْحُبُّ حَيْثُ الْقَلْبُ مُرْتَهَنُ

مِلْءُ الْجَوَانِحِ مَا بِهِ دَخَلَ

يَوْمَ الْحِفَاظِ وَمَا بِهِ دَخَنُ

ذَاكَ الْهَوَى هُوَ سِرٌّ كُلِّ فِتَى

مِنَّا تَوَطَّنَ مِصْرَ وَالْعَلَنُ

هُوَ شُكْرٌ مَا مَنَحَتْ وَمَا مَنَعَتْ

شاعر از پیروزی مصر بسیار خوشحال شده است و قلب خود را در قله خوشبختی می‌بیند. مطران لبنان و مصر را پدر و مادر می‌داند و بیان می‌کند برای حفظ تمامیت ارضی مصر تمام تلاش خود را خواهد کرد. از این شعر اینگونه بر می‌آید که خلیل مطران نیز به دنبال عشق به وطن که وطنش همان تمام سرزمین‌های مسلمین است می‌باشد.

تِلْكَ أَوْطَانُكُمْ تُبَاعَ عَلَيْكُمْ صَفْقَةً بَخْسَةً فَمَنْ مُشْتَرِيهَا؟

(دیوان الخلیل، ج ۳: ۴۹۷)

هِيَ أُمَّةٌ مُسْتَحَدَتْ تَارِيخَهَا بَيْنَ الْأُمَمِ

وَهَلْ إِذَا سَارَ فِي الْأَوْطَانِ رُوحٌ قَلْبِي يُرْجَى صَلَاحٌ وَإِصْلَاحٌ لَوْطَانِ؟

(دیوان الخلیل، ج ۳: ۱۶۱)

در این اشعار خلیل آرزوی قلبی خود را که اتحاد مسلمانان است بیان می‌کند که این اتحاد بدون وطن‌گرایی و تعصب زیاد به کشور خود شکل می‌گیرد. باید گفت که وطن‌گرایی با وطن دوستی متفاوت است و وطن دوستی علاقه به وطن خویش است ولی

وطن‌گرایی تعصب بی حد و اندازه به وطن است که ضرر رسان می‌باشد. *خلیل مطران* بیش‌تر از اینکه به لبنان عشق بورزد به کشور مصر عشق می‌ورزد و هموطنان خود را برای کمک به آن‌ها فرا می‌خواند. دلیل علاقه *مطران* این است که تحقق آرزوهایش را در آنجا می‌بیند.

وَالْجَهْلُ دَاءٌ قَدْ تَقَادَمَ عَهْدُهُ فِي الْعَالَمِينَ وَ لَ يَزَالُ عُضَالٌ
لَوْ لَا لَوْلُ الْجَهَالَةُ لَمْ يَكُونُوا كُلُّ إِ لٍ خَلَاتِقٍ إِخْوَةٌ أُمَّثَالٌ

(دیوان الخلیل، ج ۲: ۴۸۸)

مطران از اوضاع نابسامان کشور خود و تمام کشورهای عربی ناراحت است. اول اینکه مردم عرب را به اتحاد دعوت می‌کند و دوم اینکه آن‌ها را به رهایی از غفلت دعوت می‌کند.

نتیجه بحث

شاعران هر جامعه در مقابل مردم آن جامعه وظایف خطیری بر عهده دارند، که برای به انجام رساندن این وظیفه خطیر باید تمام تلاش خود را به کار ببرند و موفقیت در همین انجام وظیفه خطیر است که در بین افراد جامعه به شاعران محبوبیت و مقبولیت می‌دهد. یکی از این وظایف خطیر آگاهی مردم نسبت به اوضاع حقیقی جامعه است که با این آگاهی بتوانند نظام تمام بی‌عدالتی در جامعه خود را از پای در بیاورند. یکی از راه‌های شکست ستمکاران اتحاد تمام مردم است و رمز موفقیت به شمار می‌آید که این رمز موفقیت با وطن دوستی به کل سرزمین‌های اسلامی به تحقق می‌رسد. شاعران باید مردم را آگاه کنند که کل این سرزمین‌ها سرزمین‌های مادری آن‌ها است و تمام افراد حاضر در این جوامع خانواده آن‌ها به شمار می‌آید. اگر مردم به وطن‌گرایی بی حد و مرز روی بیاورند خطر کل جوامع را آسیب پذیر می‌سازد و کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری از ظلم و ستم پر خواهد شد.

اقبال لاهوری و *خلیل مطران* نوید دهنده و هشدار دهنده ملت هستند. نوید به اینکه روزی موفق خواهند شد و هشدار به اینکه خطر در کمین است و مردم را آگاه کنند که برای رسیدن به رمز پیروزی از دستور العمل‌های آن‌ها پیروی کنند. *اقبال لاهوری* در

اشعارش می‌گوید که اسلام و مسلمان بودن به سرزمین خاصی تعلق ندارد و اسلام که مسلمین را به برادری خوانده است باید وطن دیگر مسلمین را وطن خود بدانند و همچنین بیان می‌دارد غرب در پی آن است که میان مسلمانان تفرقه بیفکند چون می‌داند رمز پیروزی خود در تفرقه میان مردم است. *خلیل مطران* در اشعارش مردم را به هر نوع کمکی به افرادی که تحت سلطه استعمار هستند فرا می‌خواند. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که هر دو شاعر یک مضمون را بیان می‌دارند.

کتابنامه

الفاخوری، حنا. ۱۹۸۰م، تاریخ ادبیات عرب، بیروت: دار الجیل.
کامران مقدم، شهیندخت. ۱۳۷۲ش، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشگران آستان قدس رضوی.

مقالات

برمی. ۱۳۸۹ش، «نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی»، مجله انجمن علمی زبان و ادبیات عرب ایران، ش ۶، صص ۵۵-۸۰.
زارع برمی مرتضی و کبری روشنفکر و حسینعلی قبادی. زمستان ۱۳۹۰ش، «تحلیل تطبیقی درونمایه های مقاومت در اشعار «سمیح القاسم»، «حسن حسینی» و «قیصر امین پور»»، پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره دوم، شماره ۴.
صباغی. ۲۰۱۴م، «بررسی انتقادی دهخدا(بر اساس رویکرد سوم)»، بستان ادب، ش ۶، صص ۱۱۷-۱۳۴.
کاظم زاده. ۱۳۹۶ش، «تصویر مادر در شعر عربی»، مجله مطالعات عربی، شماره ۳.
هاشمی، ایوب. تابستان ۱۳۹۱ش، «طرح دیدگاه های مشترکی از مولوی و اقبال»، فصلنامه جبل المتین، دوره اول، پیش شماره دوم، صص ۶۸-۹۱.

